

واکاوی نقادانهٔ روش مادلونگ در فهم

گزارش‌های پیرامون جانشینی پیامبر ﷺ^۱

(بر مبنای کتاب «جانشینی محمد، مطالعه‌ای در مورد خلافت نخستین»)

[مهیاریخانی مقدم^۲]

چکیده

پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به واکاوی نقادانهٔ روش مادلونگ در فهم گزارش‌های پیرامون جانشینی پیامبر ﷺ می‌پردازد. نتایج پژوهش بیانگر آن است که به رغم وجود نقاط قوت در روش مادلونگ - مانند عنایت به نقش گرایش مذهبی راوی در نقل روایت از او، رد توهم برخی از خاورشناسان در جعلی بودن روایات، رد پنداره‌های موهوم و ریشه‌یابی روایات مرتبط بر اساس قراین - برخی از آسیب‌ها - مانند عدم ارجاع دقیق به منابع در برخی موارد، تکمیل نبودن گسترهٔ منابع، عدم عنایت به مفردات و ترکیبات حدیث غدیر، اشتباه دربارهٔ سبب صدور حدیث غدیر خم و ادعاهای اشتباه بر اثر عدم دقت در اسباب صدور گزارش - در روش وی قابل مشاهده است که موجب ارائهٔ برخی آراء موهوم پیرامون جانشینی پیامبر ﷺ شده است.

کلیدواژه‌ها: خاورشناسان، مادلونگ، جانشینی پیامبر ﷺ، امامت.

۱. تاریخ دریافت: ۹۶/۰۵/۱۰، تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۸/۲۰

۲. دانش‌آموختهٔ دکتری علوم قرآن و حدیث و مدرس مدعو دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم،

andqurani.qom@gmail.com

مقدمه

امامت از منظر عموم شیعیان، منصبی الهی و ریاست عام و فراگیر دینی و دنیایی برای افرادی مشخص به نیابت از پیامبر ﷺ است که دارای شواهدی از قرآن،^۱ سیره نبوی،^۲ روایات^۳ و براهین عقلی^۴ و کارکردهای مختلفی در جنبه‌های مختلف زندگی انسان هاست. این مزایا موجب شده تا علاوه بر مسلمانان، توجّه غیرمسلمانان نیز به آموزه امامت، جلب شود. خاورشناسان نیز پژوهش‌هایی را در این زمینه ارائه کرده‌اند که از جمله منابع آنها، روایات و گزارش‌های تاریخی بوده و نکته مهم، روش آنها در فهم گزارش‌ها است. مادلونگ از جمله خاورشناسانی است که پیرامون آثار شیعی و آموزه امامت، پژوهش‌های قابل توجّهی ارائه کرده است و پژوهش حاضر به منظور واکاوی نقادانه روش وی در فهم گزارش‌های پیرامون جانشینی پیامبر ﷺ و امامت حضرت علی علیه السلام، به بررسی کتاب «جانشینی محمد، مطالعه‌ای در مورد خلافت نخستین» می‌پردازد.

در خصوص کتاب مورد پژوهش، تنها دو مقاله، منتشر شده است: اسدالله رحیمی، مرتضی علوی و حسین عبدالمحمدی در مقاله‌ای با عنوان «نقدی بر دیدگاه مادلونگ درباره بیعت با امام علی علیه السلام و ریشه جنگ‌های جمل، صفین و نهروان در کتاب "جانشینی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم"» به ارزیابی و نقد دیدگاه مادلونگ درباره اصل بیعت با حضرت علی علیه السلام، چگونگی آن و ریشه جنگ‌های سه‌گانه در عصر حکومت آن حضرت پرداخته‌اند. هم‌چنین مرتضی علوی و حسین عبدالمحمدی در مقاله‌ای با عنوان «نقدی بر دیدگاه مادلونگ درباره خلافت امام علی علیه السلام در

۱. محقق حلی، جعفر بن حسن، المسلك في أصول الدين، ص ۳۰۶.

۲. مائده: ۳.

۳. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد، ۳۸۶/۲.

۴. صدوق، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۴۶/۱.

۵. علم الهدی، سید مرتضی، الشافي في الإمامة، ۱۷۹/۱.

کتاب "جانشینی حضرت محمد ﷺ" به نقد دیدگاه مادلونگ در خصوص عدم توفیق پیامبر ﷺ در معرفی جانشین خود و عدم اشاره آیات قرآنی به این موضوع، می‌پردازند. پژوهش حاضر به نقد روش مادلونگ، با تمرکز بر جنبه فقه گزارش‌های مورد استناد، می‌پردازد و باید توجه داشت که پژوهش درباره روش فهم روایات و گزارش‌ها توسط خاورشناسان در حوزه امامت، نوآورانه است.

۱- مادلونگ، زیست‌شناخت و چارچوبه بینشی

ویلفرد مادلونگ در سال ۱۹۳۰ میلادی در آلمان متولد شد و در سال ۱۹۵۷ میلادی درجه دکتری مطالعات اسلامی را از دانشگاه هامبورگ دریافت کرد. از بررسی سوابق وی به دست می‌آید که او وابسته فرهنگی سفارت آلمان در بغداد، استاد اسلام‌شناسی دانشگاه شیکاگو و استاد کرسی عربی و مطالعات اسلامی دانشگاه آکسفورد بوده است.^۱ او با تألیف یا تصحیح بیش از دویست اثر پیرامون اسلام و شیعه، از جمله پرکارترین خاورشناسان پیرامون شیعه‌شناسی است.

بدیهی است که خاورشناس نمی‌تواند خود را به جای یک عالم شیعی گذاشته و امامت را از آن منظر بنگرد. بدین‌رو، پژوهشگر غربی اگر اهتمام لازم به دین آسمانی نداشته باشد یا به فرهنگ سکولاریسم و اندیشه‌های ماوراءستیز مسیحیان و یهودیان معاصر یا آموزه‌های متناقض نمای مکاتب بشری، اعتقاد داشته باشد، در فهم آموزه امامت و منشأ الهی و ظرفیت و کارکرد آن، با چالش‌هایی رویارو خواهد شد. اما آن چه پیرامون چارچوبه بینشی مادلونگ از بررسی آثار پژوهشی او به دست می‌آید بیانگر آن است که اهتمام وی بر آن بوده تا سهم اثرگذاری اعتقادات خود در فهم آموزه‌های شیعی را تا حد امکان کاهش دهد و این درحالی است که وی اعتقادی به تشیع ندارد. بدین‌رو آثار وی در مطالعات شیعی در مقایسه با آثار

۱. بی‌نام، «معرفی ویلفرد مادلونگ»،

دیگر خاورشناسان، از نقاط قوتی چون توجه به منابع معتبر شیعی، فهم آموزه‌ها در راستای یک نظام فکری و اشراف نسبتاً کامل نسبت به ابعاد اسلام برخوردار است و بر همین اساس، وی را به عنوان یکی از پژوهشگران منصف به شمار آورده‌اند.^۱ روش پژوهش وی بیشتر بر تاریخی‌نگری (Historicism) استوار است که بر اساس آن، هر اندیشه‌ای - هر چقدر هم که عمیق و ژرف باشد - نمی‌تواند از چارچوب زمان تحقق خود، فراتر رود^۲ و چون مبنای این روش، تحلیل بر اساس معیارهای تجربی، تاریخی و مادی است و عوامل ماورائی را نادیده می‌گیرد، ادعاهایی چون ساختگی یا غیرمطابق با واقع بودن یا اغراق آمیز بودن پدیده‌های زاینده تحولات تاریخی را دارد.^۳

۲- معرفی کتاب «جانشینی محمد، مطالعه‌ای در مورد خلافت نخستین»

کتاب «جانشینی محمد ﷺ، مطالعه‌ای در مورد خلافت نخستین» (The Succession to Muhammad: A Study of the Early Caliphate) یکی از آثار متعدد علمی و پژوهشی ویلفرد مادلونگ است. مادلونگ در مقدمه کتاب به موضوع خویشاوندی در قرآن و نقش خانواده‌های پیامبران پیشین در حمایت از انبیاء و وراثت آنان می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که بر اساس قرآن، نمی‌توان ابوبکر را جانشین طبیعی پیامبر ﷺ دانست. در ادامه، وی به بررسی دیدگاه‌های عایشه و عبدالله بن عباس پرداخته است.^۴ در فصل اول با عنوان «ابوبکر: جانشین رسول خدا ﷺ و خلافت قریش» به طور مفصل به حوادث سقیفه بنی ساعده

۱. بهشتی مهر، احمد و تقی زاده داوری، محمود، «بررسی روش‌ها و ویژگی‌های پژوهشی ویلفرد مادلونگ در مطالعات شیعی»، فصلنامه پژوهش‌های کلامی-فلسفی، ۶۰/۲۳.

2. Hegel, Georg Wilhelm Friedrich, The Philosophy of History. p95.

۳. امیری، محمد مقداد، «غدیر خم در آثار پژوهشی انگلیسی زبان غرب»، فصلنامه امامت پژوهی، ۱۹۲/۳.

4. Madelung, Wilfered, The succession to Muhammad, a study of the early Caliphate, 1-27.

و چگونگی انتخاب ابوبکر و دیگر حوادث مرتبط، اشاره می‌کند.^۱ در فصل دوم با عنوان «عمر: امیرمؤمنان، شایسته سالاری اسلامی، شورا و امپراتوری عربی» بیشتر درباره چگونگی توزیع قدرت سیاسی از سوی عمر - به ویژه در ارتباط با بنی هاشم و علی علیه السلام - بحث کرده است و البته اشاراتی هم به مسائل مهمی چون فتوحات و ماجرای قتل خلیفه دارد.^۲ در فصل سوم با عنوان «عثمان: خلیفه خدا و فرمانروایی بنی عبد شمس» در ذیل دو بخش «اعترافات علیه خلیفه» و «بحران و شورش» به حوادث عصر عثمان اشاره می‌کند.^۳ در فصل چهارم با عنوان «علی: واکنش بنی هاشم نسبت به خلافت» به مباحثی چون اختلاف در جانشینی و جنگ جمل، معاویه و جنگ صفین، حکمیت و شورش خوارج و شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌پردازد.^۴ در پایان کتاب نیز یک خاتمه - «بازگشت نظم به جامعه و تشکیل سلطنت خودکامه» - و هفت پیوست - «کفن و دفن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم»، «میراث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم»، «همسران و فرزندان عثمان بن عفان»، «همسران و فرزندان حسن بن علی علیه السلام»، «زمین‌های خالص عراق در زمان عمر»، «منابع بحران در دوره خلافت عثمان» و «موسی بن طلحه و امویان» - مطرح شده است.^۵ کتاب مذکور در ششمین دوره جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۷ هجری شمسی، رتبه ممتاز را دریافت کرد.

۳- الگوی مبنا در فرایند فهم گزارش

نمودار پیشنهادی نگارنده^۶ برای الگوی مبنا در فرایند فهم گزارش و مبنا در بررسی و

1. Ibid, 28-5.

2. Ibid: 57-77.

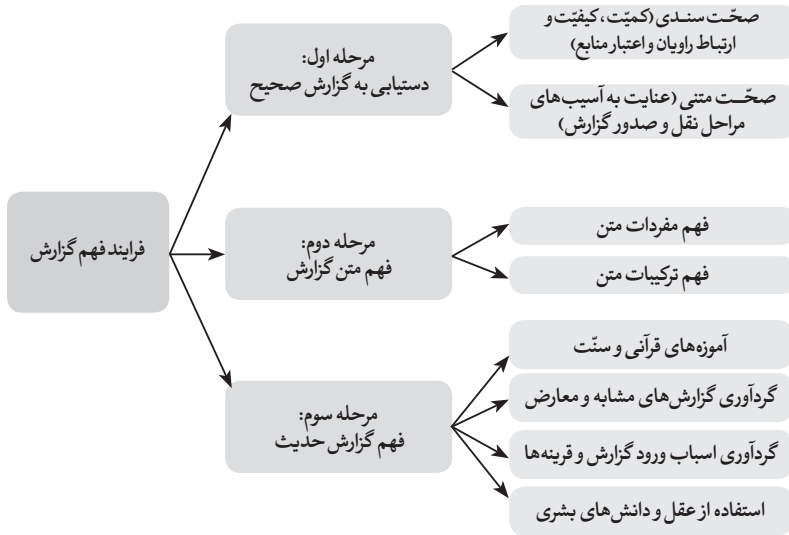
3. Ibid: 78-140.

4. Madlung, Wilfered, The succession to Muhammad, a study of the early Caliphate and 141 - 310.

5. Ibid: 311-387.

۶. نگارنده، نمودار مربوطه را پس از مطالعه برخی آثار برجسته در زمینه روش خوانش و فهم

نقد روش مادلونگ، بدین قرار است:



۴- واکاوی نقادانه عملکرد مادلونگ در فهم گزارش‌ها

نقاط قوت و ضعف عملکرد مادلونگ در فهم گزارش‌ها براساس نمودار پیشنهادی، بدین شرح است:

۴-۱- مرحله اول: دستیابی به گزارش صحیح

هنگامی می‌توان به فهم متن گزارش پرداخت که آن متن، به گونه یقین‌آوری، گزارش شده و از نظر سندی و متنی از وثاقت کاملی برخوردار باشد. بدین‌رو، دو بخش اساسی در مرحله دستیابی به گزارش صحیح، تأیید «صحت سندی» - عنایت به کمیت^۱، کیفیت^۲ و ارتباط^۳ راویان یک گزارش و اعتبار منابعی که

حدیث در میان صاحب‌نظران ترسیم کرده است و می‌توان آن را با برخی اصلاحات، به روایت - به معنای عام آن، مانند گزارش‌های تاریخی - نیز تعمیم داد.

۱. مامقانی، عبدالله، مقباس الهدایة فی علم الدراية، ۱/ ۸۰؛ عتر، نورالدین، منهج النقد فی علوم الحدیث، ص ۴۰۴.

۲. ابن صلاح، عثمان بن عبدالرحمان، علوم الحدیث، ص ۳۶.

۳. سیوطی، عبدالرحمان بن ابی‌بکر، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، ۱/ ۱۹۹.

گزارش در آنها ذکر شده است - و «صحت متنی» - عنایت به آسیب‌های مراحل صدور (مانند بیان تدریجی،^۱ تقیه^۲ و ...) و نقل گزارش (مانند درج،^۳ وضع^۴ و ...) - است.

۴-۱-۱- نقاط قوت روش مادلونگ در مرحله دستیابی به گزارش صحیح

برجسته‌ترین نقاط قوت روش مادلونگ در مرحله دستیابی به گزارش صحیح بدین شرح است:

الف) رد توهم برخی از خاورشناسان در جعلی بودن روایات^۵

برخی از پژوهشگران غربی معتقدند که ذکر اسناد گزارش‌ها - به ویژه روایات تاریخی - سال‌ها بعد از زمان صدور گزارش‌ها مرسوم شد و دلیل این امر، اعتبار بخشیدن به روایات مجهول بود. کایتانی نیز تحت تأثیر این نظریه، بر جعلی بودن بسیاری از روایات مرتبط با جانشینی پیامبر ﷺ حکم داده است. مادلونگ در مباحث مقدماتی، این نظر کایتانی را نقل و رد می‌کند و تصریح دارد که خود کایتانی، برخی از روایات تاریخی ابن عباس را در جای دیگری پذیرفته و این امر در تناقض با نظر خود او است. هم‌چنین مادلونگ تأکید دارد که روایات متقدم، با ذکر سند بوده‌اند و تنها در ابتدا، اسناد آنها ذکر نشده است. این امر دلیلی برای جعلی بودن روایات نخواهد بود و اگر افرادی، مدعی جعلی بودن روایات هستند، باید دلایل قابل قبولی ارائه دهند.^۶

۱. شهید ثانی، زین الدین بن علی، معالم الدین، ص ۱۵۷-۱۵۸.

۲. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، ۲۷۵/۱.

۳. میرداماد، محمدباقر، الرواشح السماویة، ص ۲۱۰.

۴. فلاته، عمر بن حسن عثمان، الوضع فی الحدیث، ۱۰۸/۱.

۵. روایاتی که خاورشناسان در این جا جعلی می‌دانند، روایت به معنای عام آن - یعنی اعم از روایات‌ها (گزارش‌های) تاریخی و روایات به معنای مصطلح آن (روایات فقهی، کلامی و ...) - است.

6. Madelung, Wilfered, The succession to Muhammad, a study of the early Caliphate, 19.

بررسی صدر اسلام بیانگر آن است که در ابتدا، به دلیل آن که نقل گزارش در میان افراد مشخصی صورت می‌پذیرفت و مبنای کار بر اعتماد بود، ذکر اسناد گزارش جدی گرفته نشد؛ اما با رواج روایات جعلی و انتساب به پیامبر ﷺ و امامان،^۱ نقل اسناد گزارش به ویژه با توصیه اکید اهل بیت علیهم‌السلام،^۲ در میان پیروان ایشان رواج یافت. البته در میان اهل سنت نیز پس از منع رسمی دو خلیفه نخستین از تدوین حدیث،^۳ بحث الزام بر نقل اسناد در کنار متن گزارش پس از اعلام رسمی تجویز نگارش گزارش، مورد توجه قرار گرفت.

ب) صحت سندی روایات تاریخی مبتنی بر رابطه متن و شخصیت راوی

مادلونگ تأکید دارد که صحت سندی روایات تاریخی باید بیشتر بر اساس هم خوانی متقابل روایات منسوب به یک شاهد واحد و هم خوانی آن با آن چه از شرح احوال او در دست است و تمایلات سیاسی وی، مورد بررسی قرار گیرد. به عنوان نمونه، از جمله مباحث مرتبط با امیرالمؤمنین علیه‌السلام، تلاش مخالفان آن حضرت برای اقامه کردن شواهد تاریخی مبنی بر نظر پیامبر ﷺ بر افضلیت ابوبکر است. از جمله روایات مرتبط، قضیه اقامه نماز جماعت ابوبکر به جای پیامبر ﷺ و بر اساس دستور آن حضرت است. مادلونگ برخلاف نظر کایتانی - این روایت توسط محدثان مسلمان جعل شده است تا توجیه کننده عدم انتصاب توسط پیامبر ﷺ باشد - اسناد این گزارش از ارقم بن شرحبیل کوفی - از یاران ابن مسعود و ثقه (رجال اهل سنت) -^۴ به ابن عباس را کاملاً منطقی می‌داند.^۵

۱. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم، ۶۲۷/۲.

۲. طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۲۵۲.

۳. خطیب بغدادی، احمد بن علی، تقييد العلم، ص ۵۰.

۴. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، تهذيب التهذيب، ۱۹۹/۱.

5. Madelung, Wilfered, The succession to Muhammad, a study of the early Caliphate, 24.

ج) دقت در تشخیص راویان

مادلونگ روایتی را نقل می‌کند که در آن، عایشه پس از آن‌که خبر قتل عثمان را شنید، با این تصوّر که طلحه به مقام خلافت رسیده است، بسیار خوشحال شد اما در برگشت از مکه اطلاع یافت که به اصرار مردم، خلافت بر عهده حضرت علی علیه السلام قرار داده شد. وی در این حالت، به حضرت علی علیه السلام حمله می‌کند و ایشان را متهم می‌کند که بر عثمان حمله برده و او را به قتل رسانده است. مادلونگ در تبیین راوی این روایت تأکید دارد که نام وی، ابویوسف انصاری است اما طبری در تشخیص هویت وی دچار اشتباه شده و راوی را یعقوب بن ابراهیم انصاری معرفی کرده است.^۱

۴-۱-۲- نقاط ضعف در مرحله دستیابی به گزارش صحیح

برجسته‌ترین نقاط ضعف روش مادلونگ در مرحله دستیابی به گزارش صحیح بدین شرح است:

الف) عدم ارجاع دقیق به منابع در برخی از موارد

از نقاط ضعف روش برخی از خاورشناسان، عدم ارجاع به منابع و ارجاع به منابع واسطه‌ای است. مادلونگ با نقل روایتی از کایتانی مبنی بر مجازات یک اسیر جنگی به دست حضرت علی علیه السلام، ادعا می‌کند که آن حضرت در برابر هر انتقادی مبنی بر عدم اجرای راسخ قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم توسط ایشان، از خود واکنش نشان می‌داد. مادلونگ در ادامه، این امر را نقطه ضعفی می‌داند که موجب شد تا آن حضرت، بعدها بزرگترین اشتباه خود را انجام دهد.^۲ این ادعای مادلونگ که گویا روایتی از تاریخ است، هم مبهم و هم فاقد هرگونه سند

1. Madelung, Wilfered, The succession to Muhammad, a study of the early Caliphate, 147.

2. Ibid, 178.

وارجاعی است. البته براساس آموزه‌های قرآنی^۱ و روایات معصومان علیهم‌السلام^۲ لزوم عصمت امام، ثابت می‌گردد؛^۳ زیرا امام باید حدود الهی را به پا دارد و لازمه این امر، عصمت از هرگونه خطا و اشتباه است؛^۴ پس ادّعای اشتباه امیرالمؤمنین علیه‌السلام به هیچ وجه پذیرفتنی نیست.

ب) تکمیل نبودن گستره منابع

به رغم استفاده مدلولونگ از برخی منابع شیعی مانند مقاتل الطالبيين (تألیف ابوالفرج اصفهانی)، السقیفة (تألیف سلیم بن قیس هلالی)، الغارات (تألیف ابراهیم بن محمد ثقفی)، تاریخ (تألیف یعقوبی)، الارشاد و الجمل (تألیف شیخ مفید)، وقعة صفین (تألیف نصر بن مزاحم منقری) و رجال (تألیف نجاشی)، وی به طور معمول بیشتر به منابع دسته اول از اهل سنت و در درجه بعد به آثار خاورشناسان غربی ارجاع می‌دهد و این امر بیانگر کامل نبودن گستره منابع است. به عنوان نمونه، وی افزون بر ۱۴۰ منبع را مورد استفاده قرار داده و این در حالی است که از این میان، ۷۲ منبع از اهل سنت و ۶۵ منبع نیز از خاورشناسانی چون گلدزیهر، کایتانی، هالم، نولدکه و مونتگمری وات است. بدیهی است که تکیه بر آثار اهل سنت - دارای اشکالاتی مانند گزینشی بودن، ناکافی بودن و قطعی نبودن اطلاعات - و آثار خاورشناسان - حداقل دسته دوم هستند - نشانگر نوعی از ضعف در روش علمی است؛ در مسئله بسیار مهمی چون غدیر خم، باید نظر هر دو مذهب با تکیه بر تعداد معتنابهی از آثار معتبر هریک از فریقین، تبیین گردد.

۱. نساء: ۵۹.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۱/۲۰۳.

۳. حلی، حسن بن یوسف، الألفین، ص ۲۸۰.

۴. موسوی زنجانی، ابراهیم، عقائد الإمامية الإثني عشرية، ۱/۷۷-۷۸.

۲-۴- مرحله دوم: فهم متن گزارش

با دقت در فهم مفردات و ترکیبات متن، فهم عام گزارش که در ابتدا به ذهن مخاطبان آشنا به زبان عربی می‌رسد، به دست می‌آید.^۱ تتبع نگارنده در کتاب مادلونگ بیانگر آن است که در اثر وی، اهتمام شایسته توجّهی در خصوص فهم صحیح مفردات روایات مرتبط، به ویژه حدیث غدیر، قابل مشاهده نیست و به رغم آن که موضوع کتاب وی پیرامون جانشینی پیامبر اسلام ﷺ است، هیچ بحث مجزّا و کاملی پیرامون حدیث غدیر و هیچ گونه تحلیلی برای فهم ترکیبات گزارش مذکور، ارائه نمی‌دهد.

۳-۴- مرحله سوم: فهم مقصود گزارش

پس از آن که در مرحله فهم متن گزارش، مراد استعمالی یا همان معنای ظاهری روایات به دست آمد، لازم است بر اساس روش‌های صحیح، به فهم مراد جدی گزارش، دست یافت. به نظر نگارنده، این امر با عنایت به چهار مسئله اساسی، قابل انجام است:

۱-۳-۴- عنایت به آموزه‌های قرآنی و سنت

مهم‌ترین معیار برای سنجش فهم یک گزارش، رجوع به آموزه‌های قرآنی برمبنای قطعی الصدور بودن قرآن و ظنی الصدور بودن گزارش است.^۲ بر اساس آموزه‌های قرآنی،^۳ پشتوانه حجیت سنت پیامبر ﷺ، قرآن است و در گزارش‌های نبوی^۴ و اهل بیت علیهم‌السلام^۵ نیز بر این نکته تأکید شده که معیار سنجش صحت گزارش،

۱. مسعودی، عبدالهادی، روش فهم حدیث، ص ۷۴-۷۸.

۲. شاطبی، ابواسحاق، الموافقات فی اصول الفقه، ۴/ ۵-۶.

۳. حشر: ۷.

۴. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد، ص ۹۲.

۵. صدوق، محمد بن علی، الأمالی، ص ۳۶۷.

عرضه آن بر قرآن و موافقت آن با قرآن یا سنت مقطوع و گزارش های دیگری از اهل بیت علیهم السلام است.^۱

به رغم آن که مادلونگ برای تحلیل بهتر در خصوص جانشینی پیامبر به آیات قرآن نیز مراجعه کرده ولی در این راستا، به همراه موفقیت در ردّ نظر اهل سنت - که معتقدند خداوند، تعیین جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله را بر اساس امر به شورا، به مسلمانان واگذار کرده است -^۲ برداشت های اشتباهی را به علت عدم استقصای کامل آیات مرتبط^۳ و عدم توجه کامل به روایات تفسیری در ذیل آیات مرتبط^۴ دارد؛ اما در خصوص استفاده مادلونگ از شواهد قرآنی باید عنایت داشت که وی مانند دیگر پژوهشگران غربی، مانند یک متن تاریخی به قرآن نگاه می کند، نه آن گونه که مسلمانان به عنوان حجت و قرینه ای بر اعتبار یک گزارش به آن می نگرند؛ بنابراین باید تحلیل کار مادلونگ را از این نقطه نظر، خارج کرد.

۴-۳-۲- گردآوری اسباب ورود گزارش و قرینه ها

سبب ورود گزارش، پیرامون اسبابی است که موجب شده تا پیامبر^۵ و اهل بیت علیهم السلام درباره آن سخن بگویند و به شکل قرینه هایی چون شرایط تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، حالت های گفتگو و پرسش های نهان راوی گزارش هستند.^۶ قرینه، هر چیز همراه کلام است که مخاطب را به معنایی که مراد جدی متکلم است، راهنمایی می کند.

۱. کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفة الرجال، ص ۲۲۴.

2. Madelung, Wilfered, The succession to Muhammad, a study of the early Caliphate, 17.

3. Ibid, 6.

4. Ibid, 13-14.

۵. ابن ابی شهبه، محمد بن محمد، الوسيط في علوم ومصطلح الحديث، ص ۴۶۷.

۶. فرزند وحی، جمال و شهروزی، محمد جعفر، «اسباب ورود حدیث در کافی»، فصلنامه سفینه،

۴-۳-۲-۱- نقاط قوت در گردآوری اسباب صدور و قرینه‌ها

نقاط قوت روش مادلونگ در عنایت به گردآوری اسباب صدور و قرینه‌ها بدین شرح است:

۱- رد پنداره‌های موهوم براساس قراین

می‌توان در این زمینه موارد قابل توجهی را از کتاب مادلونگ به دست آورد، مانند:

الف) رد پنداره حریص بودن حضرت علی علیه السلام

مادلونگ در پاورقی، گزارشی را از سعید بن عمر نقل می‌کند که براساس آن، حضرت علی علیه السلام هدایایی را که سعید بن عاص از کوفه برای او فرستاد، پذیرفت و فرمود که بنی امیه، فقط سهم اندکی از میراث محمد صلی الله علیه و آله را به من داده‌اند و به خدا سوگند اگر من زنده باشم، آنان را از این کار باز خواهم داشت. این روایت درصدد القای این پنداره است که حضرت علی علیه السلام فردی حریص بود. مادلونگ در متن، تأکید می‌کند علی علیه السلام از پذیرفتن هدایای مذکور، خودداری کرده و در پاورقی هم تأکید دارد که براساس قراین و رفتارهای بعدی حضرت علی علیه السلام در مواجهه با بیت المال، این نقل از سعید بن عمر را باید ناشی از بازگویی غیرواقعی مسئله از سوی امویان دانست.^۱ باید عنایت داشت که از ویژگی‌های امام، حریص نبودن نسبت به دنیاست و براساس تأکیدی که در زیارت جامعه کبیره رسیده، احسان کردن از جمله عادات امامان علیهم السلام و کرم و بخشش نیز از جمله سجایای اخلاقی ایشان است.^۲

ب) رد پنداره نقش داشتن حضرت علی علیه السلام در توطئه علیه عمر

مادلونگ گزارش می‌دهد که پس از قتل عمر به دست ابولؤلؤ، پسر عمر، ابولؤلؤ را به قتل رساند و عثمان نیز با این توجیه که ریختن خون عبیدالله بن عمر پس

1. Madelung, Wilfered, The succession to Muhammad, a study of the early Caliphate, 108-109.

۲. صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ۲/ ۶۱۶.

از قتل پدرش، عملی بی‌رحمانه است، به جای قصاص، وی را بخشید که این امر با اعتراض علی علیه السلام مواجه شد. برخی بر پایه این اعتراض، پنداره تباری حضرت علی علیه السلام و قاتل عمر را مطرح کرده‌اند.^۱ مادلونگ گزارش‌های مرتبط را نامعتبر می‌خواند و بر اساس قراین تاریخی، معتقد است اگر سوءظنی نسبت به نقش علی علیه السلام در توطئه علیه عمر وجود داشت، امویان همان‌گونه که با نسبت دادن قتل عثمان به علی علیه السلام در صدد اتهام زنی و کسب قدرت بودند، قتل عمر را نیز به آن حضرت نسبت می‌دادند تا از آن مسئله نیز بهره‌برداری کنند.^۲

ج) رد پنداره نقش داشتن حضرت علی علیه السلام در توطئه علیه عثمان

مادلونگ گزارش می‌کند برخی از افراد بر اساس روایات تاریخی معتقدند که محرک اصلی شورش و عامل اصلی قتل عثمان، حضرت علی علیه السلام بود؛ هر چند که علی علیه السلام به طور مستقیم، مردم را به قتل عثمان برانگیخت اما به صورت پنهانی، مشکلات فراوانی را در برابر او به وجود آورد تا او را از مقبولیت بیاندازد و خود را محبوب مردم کند تا عثمان، مجبور به کناره‌گیری شود.^۳ مادلونگ در رد این پنداره به چند قرینه تاریخی اشاره می‌کند:

۱. اعمال ناپسند عثمان درباره بیت‌المال و افزایش و کاهش حقوق افراد برخلاف قانون شرع، اعتراض همگان را برانگیخت.^۴ عایشه به نامه‌نگاری با ولایت‌های اسلامی علیه عثمان و کارهای وی پرداخت.^۵ اگر علی علیه السلام محرک اصلی شورش و ذی‌نفع احتمالی آن بود، عایشه هیچ مشارکتی در آن نمی‌کرد؛ زیرا او به هر

1. Madelung, Wilfered, The succession to Muhammad, a study of the early Caliphate, 69.

2. Ibid, 70.

3. Ibid, 70.

4. Madelung, Wilfered, The succession to Muhammad, a study of the early Caliphate, 106.

5. Ibid, 101.

میزان که از تکبر اموی عثمان متنفر بود، بیش از آن از علی علیه السلام تنفر داشت. همین عایشه که اندک زمانی پیش از قتل عثمان، گفته بود که مایل است خلیفه را به دریا افکند، چند هفته پس از آن به قریشیانی که در مکه گرد آمده بودند، اطمینان می‌داد که علی علیه السلام عثمان را کشته است.^۱ حضرت علی علیه السلام با این که نسبت به کارهای خلاف شرع عثمان، به شدت موضع‌گیری می‌کرد اما تلاش مشهودی جهت رفع مسالمت‌آمیز شورش علیه خلیفه مسلمانان داشت. در ابتدا به عنوان واسطه‌ای امین، درخواست‌های معترضان را به اطلاع عثمان رساند و هشدارهای لازم را به وی گوشزد کرد که مورد موافقت عثمان قرار نگرفت. سپس به همراه محمد بن مسلمه شورشیان را متقاعد کرد تا به شهرهای خود بازگردند و به آنان وعده دادند که به تمام شکایات آنان، رسیدگی خواهد شد؛^۲ البته به دلیل آن که عثمان، توجهی به خواسته‌های معترضان نکرد، ایشان با حضور مجدد در مدینه، عثمان را به قتل رساندند.

۲- ریشه‌یابی روابط و روایات مرتبط بر اساس قراین

از دیگر توانمندی‌های مادلونگ، استفاده از قراین برای ریشه‌یابی روابط و روایات است، مانند:

الف) تأیید ادعای ابوبکر به منظور کسب منافع بیشتر

از جمله وقایع مهم پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم محروم کردن حضرت زهرا علیها السلام از باغ فدک بود^۳ و بهانه این کار، گزارشی بود که در ابتدا فقط ابوبکر آن را شنیده بود.^۴ بر اساس ادعای او، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند که ما پیامبران، اثری از خود باقی نمی‌گذاریم.

1. Ibid, 107.

2. Ibid, 111.

۳. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ۱/۱۵۹.

۴. سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، تاریخ الخلفاء، ص ۶۰.

هرچند که این ادعا با دلایل استوار حضرت زهرا علیها السلام از بنیان، غیرقابل باور بود،^۱ اما برخی از صحابه و همسران پیامبر صلی الله علیه و آله به تأیید آن گزارش پرداختند.^۲ مادلونگ در ریشه‌یابی این امر، تأکید دارد که برخی از اصحاب و همسران پیامبر صلی الله علیه و آله به خوبی فهمیده بودند که اگر اقرار کنند که این مطلب را از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده‌اند، وضعیت مادی و توجه خلیفه به ایشان، بهتر خواهد شد.^۳

ب) جعل گزارش به منظور سرپوش گذاشتن به ادعای ابوبکر

مادلونگ تصریح دارد پس از آن که ابوبکر تصمیم گرفت که زنان پیامبر صلی الله علیه و آله بتوانند خانه‌های خود را نگه دارند، برخی از راویان، گزارش‌هایی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کردند که براساس آنها، آن حضرت خانه‌های خود را برای همسران خود، وصیت کرده بودند. مادلونگ در ریشه‌یابی این گزارش‌ها، این نکته را یادآور شد که ابوبکر دربارهٔ اموال به جا مانده از پیامبر صلی الله علیه و آله برخوردهای مختلفی را در برابر حضرت زهرا علیها السلام و زنان پیامبر صلی الله علیه و آله از خود نشان داد و راویان بعدی برای رفع ابهام از رفتار ابوبکر - که با آنچه از پیامبر صلی الله علیه و آله به جا مانده بود، به دلخواه خود عمل می‌کرد - گزارش‌هایی با مضمون وصیت خانه‌ها برای زنان پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند.^۴

ج) جعل گزارش از سوی عایشه به منظور جلوه دادن خود

مادلونگ تأکید دارد اعتبار عایشه به عنوان همسر محبوب پیامبر صلی الله علیه و آله تردیدناپذیر بود و هیچ کس ظاهراً در صداقت وی، تردیدی نداشت. وی می‌توانست چیزی بگوید که دیگران نمی‌توانستند، اما بسیاری می‌خواستند آن را بشنوند. تحریفات جهت‌گیرانهٔ وی، بیانگر دل‌بستگی‌هایی بود که سبب گسیختگی ائمت اسلامی می‌شد. وی به طور کلی بیش از هر کسی آگاه بود و مردم انتظار داشتند حتی

۱. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّة فی معرفة الأئمة، ۱/۳۵۳-۳۶۴.

۲. رک: ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند، ۴/۲۶.

3. Madelung, Wilfered, The succession to Muhammad, a study of the early Caliphate, 50.

4. Ibid.

داستان‌های ساختگی و با شاخ و برگ وی، بازگوی آگاهی وی از حقایق باشد.^۱ به عنوان نمونه، مادلونگ به بررسی روایتی از عایشه می‌پردازد که در آن، عایشه مدعی شده که پیامبر ﷺ در دامان او رحلت کرده که این امر به منظور مهم جلوه دادن خود بوده است.^۲ مادلونگ تأکید دارد علاوه بر آن که علی علیه السلام تأکید کرده که پیامبر ﷺ در حالی جان سپرد که سرایشان بر سینه حضرت بود^۳ و این گزارش حضرت با گزارش منقول از افراد دیگر نیز همخوانی دارد،^۴ این روایت عایشه با روایت دیگری از او که مدعی شده پیامبر ﷺ در خانه میمونه رحلت کرده است، مغایرت دارد.

۴-۳-۲- نقاط ضعف در گردآوری اسباب صدور و قرینه‌ها

نقاط ضعف روش مادلونگ در عنایت به گردآوری اسباب صدور و قرینه‌ها بدین شرح است:

۱- عدم تشخیص صحیح عامل ممانعت از جانشینی حضرت علی علیه السلام

مادلونگ بر اساس قرینه‌هایی مانند گزارشی از عبدالله بن عباس، در صدد القای این مطلب است که عامل اصلی در ممانعت از خلافت حضرت علی علیه السلام حسادت مردم قریش بود. گزارشی که مادلونگ به عنوان قرینه نظر خود نقل کرده، این چنین است:

عمر خطاب به عبدالله بن عباس گفت: (قوم قریش) خوش نداشتند که پیامبری و خلافت را با هم داشته باشید و بدان ببالید. شاید بگویید ابوبکر آن را به ناروا گرفت، به خدا نه! ابوبکر مال اندیش بود،

1. Ibid, 23.

2. Ibid.

۳. نصر بن مزاحم، ابوالفضل، وقعة صفین، ص ۲۲۴.

۴. ابن سعد، ابوعبدالله محمد، الطبقات الکبری، ۲/۲۶۲.

اگر آن را به شما داده بود با وجود خویشاوندیتان با پیامبر ﷺ منفعتی برای شما نداشت.

مادلونگ بر این اساس ادعا می‌کند حضرت علی علیه السلام نمی‌توانست امیدوار باشد که خلافت را به دست آورد؛ زیرا خویشاوند پیامبر ﷺ بود و قریش نمی‌پذیرفتند که هم پیامبری و هم خلافت در یک طایفه، جمع شود. بدین رو، کودتای عمرو ابوبکر در سقیفه بنی ساعده، حضرت علی علیه السلام را از رسیدن به خلافت بازداشت، بلکه عامل اصلی این امر، حسادت عمیق قریش بود.^۱

به نظر می‌رسد ادعای مادلونگ که بر اساس قراین تاریخی شکل گرفته، قابل نقض است و اشکال تحلیل مادلونگ آن است که کودتای سقیفه و حسادت قریش را دو چیز جدا از هم دانسته است؛ در حالی که این دو منافاتی با هم ندارند و جمع بین این دو و آن چه از بررسی تاریخی به دست می‌آید بیانگر آن است که حسادت و کینه قریش را می‌توان به عنوان یکی از عوامل ایجاد سقیفه و موفقیت کودتای ابوبکر و عمر دانست. علت کینه قریش علیه حضرت علی علیه السلام نیز به سبب آن بود که حضرت، سران آنان را به قتل رساند و برای بازماندگان نشان جز ننگ، چیزی باقی نگذاشت؛^۲ چه این که عثمان خطاب به حضرت علی علیه السلام گفت:

اگر قریش، شما را به جهت کشته شدن هفتاد نفر از آنان در روز بدر دوست ندارند، من چه می‌توانم بکنم.^۳

۲- اشتباه درباره سبب صدور گزارش غدیر خم

مادلونگ علت صدور گزارش غدیر خم را واقعه‌ای مرتبط با سال دهم هجری می‌داند که در آن، پیامبر ﷺ را به نمایندگی از طرف خود به یمن فرستاد

1. Madelung, Wilfered, The succession to Muhammad, a study of the early Caliphate, 67.

۲. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، ۴۲/۲۹۰.

۳. ابن حمدون، تذکره الحمدونیه، ۷/۱۶۸.

ورفتار علی عليه السلام در تقسیم غنایم به دست آمده در آن جا، عده‌ای را برانگیخت که از او به اتهام حریص بودن و بدرفتاری با زبردستان به پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم شکایت کنند^۱ و پیامبر نیز به منظور پایان دادن به تمامی این اتهام‌ها، گزارش غدیر را بیان فرمود. مادلونگ در صدد القای این مطلب است که سخنان پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم در غدیر خم، به خاطر رفع کدورتی بود که سپاه اسلام در یمن از علی عليه السلام به دل گرفته بودند. عنایت بر سه نکته که مادلونگ در تشخیص سبب صدور حدیث غدیر خم در نظر نگرفته است، در نقد این نظرگاه، رهگشاست:

۱. این پنداره توسط برخی از اهل سنت^۲ مطرح شده و این در حالی است که عموم کتب معتبر اهل سنت، ضمن تأکید بر صحت و تواتر گزارش غدیر، اشاره‌ای به این پنداره نکرده‌اند.

۲. بررسی مسئله شکایت از حضرت علی عليه السلام بیانگران است که ریشه این امر در سعایت و تنگ نظری چهار نفر از صحابه بوده است.^۳ این شکایت، موجب غضبناک شدن و ایذاء پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم شد^۴ و آن حضرت در برابر آن چهار نفر به حمایت از حضرت علی عليه السلام پرداخت.^۵ پس با توجه به این که آن مسئله در شهر مدینه و در مواجهه با آن نفرات، خاتمه پیدا کرد، دیگر تعمیم بیان آن در غدیر خم، منطقی به نظر نمی‌رسد.

۳. قرائن داخلی گزارش غدیر- که با جملاتی مانند «الست اولی بکم من انفسکم» آغاز شده و با جملاتی چون «الله اکبر علی اکمال الدین و اتمام النعمة» پایان

1. Madlung, Wilfered, The succession to Muhammad, a study of the early Caliphate, 17.

۲. بیهقی، ابوبکر، دلائل النبوة، ۵: ۳۹۶-۳۹۷؛ ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایة و النهایة، ۱۲۲/۵.

۳. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، ۱۸/۱۲۹-۱۲۸.

۴. هیشمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد، ۹/۱۲۸.

۵. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الاصابة فی تمییز الصحابة، ۶/۴۸۸.

می‌یابد - و قرائن خارجی آن - مانند عرض تبریک به حضرت علی علیه السلام و بیعت با ایشان^۱ و نزول عذاب بر حارث بن نعمان که نسبت به از جانب خدا بودن سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در غدیر خم، تشکیک کرد -^۲ با صرف رفع یک شکایت و دلخوری، سازگار نیست. بدین رو مسئله اساسی واقعه غدیر خم - که پس از نزول آیات ۳ و ۶۷ سوره مبارکه مائده^۳ صورت پذیرفت - معرفی حضرت علی علیه السلام به عنوان جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود تا دین اسلام، کامل و امید دشمنان برای نافرجامی آن، مأیوس گردد. بسیار عجیب است که مادلونگ در کتابی که پیرامون جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، اشاره‌ای به علت صحیح برپایی واقعه غدیر خم و جزئیات آن - به ویژه اعتقاد به الهی بودن نصب حضرت علی علیه السلام - نمی‌کند و این امر از برجسته‌ترین نقاط ضعف وی در اثر مذکور است.

۳- ریشه‌یابی اشتباه در بیان علت اختلاف ابوبکر و حضرت علی علیه السلام

مادلونگ ریشه اساسی اختلاف ابوبکر و علی علیه السلام را عداوت عایشه با علی علیه السلام می‌داند که زمینه‌ساز این دشمنی، موضع آن حضرت در ماجرای گردنبنند مفقود شده عایشه، پیشنهاد علی علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای طلاق دادن عایشه و کوشش آن حضرت برای گرفتن اقرار جرم از پیشخدمت عایشه بود.^۴

بررسی تمامی قراین تاریخی، مانند چگونگی اسلام آوردن حضرت علی علیه السلام و ابوبکر^۵ و نحوه رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با هر دو نفر - مانند مسئله عقد اخوت میان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت علی علیه السلام -^۶ می‌تواند بیانگر شخصیت و بینش ایشان بوده و

۱. غزالی، محمد بن محمد، سر العالمین، ۱/۱۸۱.

۲. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، ۶/۳۸۴.

۳. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ۵/۱۷۶.

4. Madelung, Wilfered, The succession to Muhammad, a study of the early Caliphate, 42.

۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، همان، ۳/۲۸.

۶. عاملی، جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، ۳/۳۴۵.

نظرگاه مادلونگ را تا حدی ناقص و ناکافی نشان دهد. می توان ریشه اصلی اختلاف حضرت علی علیه السلام و ابوبکر را در نگرش متفاوت آن دو در عمل به دستورهای الهی و نبوی دانست که مبنای آن، دخالت دادن نظرات شخصی توسط ابوبکر در برابر اوامر الهی است. به عنوان نمونه، پس از آن که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در غدیر خم، جانشینی حضرت علی علیه السلام را در حضور بالغ بر صدهزار نفر از حاجیان سراسر جهان اسلام اعلام کرد،^۱ بزرگان صحابه، از جمله خلفای اول و دوم اهل سنت، به نزد علی علیه السلام آمدند و امارت مؤمنان را به ایشان تبریک گفتند.^۲ این سخن ایشان، حکایت از تسلیم شدن در برابر فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و رهبری علی علیه السلام و نشانه‌ای از رضایت ظاهری ایشان از آن انتصاب بود؛ اما پس از گذشت مدتی، تحت تأثیر هوای نفس و علاقه به ریاست قرار گرفته و ضمن تغییر استوانه خلافت، عهد خود را شکستند.^۳

۴-۳-۳- عنایت به گزارش‌های مشابه و معارض

مهم‌ترین کارکرد گردآوری گزارش‌های مشابه و تشکیل خانواده گزارش، شناخت انواع روایات، کشف روابط میان روایات و کشف معنای جامع از مجموع روایات مشابه است.^۴ باید به گزارش‌های معارض با گزارش مورد بررسی، که براساس عوامل متعددی مانند تقیه، تدریجی بودن بیان احکام، اختلاف سطح بینش راویان و دخالت‌های عمدی و غیرعمدی راویان و ناسخان ایجاد شده‌اند^۵ نیز عنایت داشت. در مواردی، با دستیابی به گزارش‌هایی معارض، فهم اولیه از حدیث، عمیق‌تر و یا دگرگون می‌شود.

۱. آلوسی، سید محمود، روح المعانی، ۳/۲۳۴.

۲. ابن ابی شیبیه، عبدالله بن محمد، کتاب المصنف فی الأحادیث والآثار، ۶/۳۷۲.

۳. غزالی، محمد بن محمد، همان، ۱۸/۱.

۴. معارف، مجید، «خانواده حدیث و نقش آن در فقه الحدیث»، فصلنامه پژوهش دینی، ۸/۴۶-۷۴.

۵. سیستانی، علی، الرافد فی علم الاصول، ص ۲۶.

۴-۳-۱- نقاط قوت در عنایت به گزارش‌های مشابه و معارض

مادلونگ با این‌که در برخی از موارد به نقل گزارش‌های مشابه و معارض پرداخته است اما از این امر در فهم گزارش‌های مربوطه، استفاده‌ای نکرده و گاه نتیجه صحیحی به دست نیاورده است.

۴-۳-۲- عدم عنایت به گزارش‌های مشابه و معارض

برجسته‌ترین نمودهای ضعف روش مادلونگ در عدم عنایت به گزارش‌های مشابه و معارض، بدین قرار است:

۱- انصراف از ادعای جان‌شینی پس از شهادت حضرت زهرا علیها السلام

از جمله ادعاهای مادلونگ، عقب‌نشینی و تسلیم شدن علی علیه السلام نسبت به ادعای خود، مبنی بر جان‌شینی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پس از شهادت حضرت زهرا علیها السلام و بر اثر فشار مسلمانان و انزوای آن حضرت است.^۱ در نقد این دیدگاه مادلونگ، ضمن فاقد ارجاع بودن این ادعا، می‌توان عدم توجه به روایات معارض را از مهم‌ترین عوامل این فهم اشتباه دانست که در این زمینه، ذکر چهار نکته، شایسته است:

۱. حضرت علی علیه السلام در زمان حیات حضرت زهرا علیها السلام به منظور هدایت مردم و بازپس‌گیری حق الهی خود مبنی بر حکومت بر مردم، از هیچ تلاشی مضایقه نکرد؛ به عنوان نمونه، شبانه به همراه همسر خود به منزل انصار رفته و از آنها درخواست همراهی می‌کرد.^۲ حتی چهل نفر نیز با ایشان بیعت کردند که تا پای جان از ایشان حمایت کنند اما سرانجام بیش از چهار نفر،^۳ برای همراهی و یاری آن حضرت اعلام آمادگی نکردند.^۴ بر اساس گزارش‌های کتب تاریخی، اخذ

1. Madelung, Wilfered, The succession to Muhammad, a study of the early Caliphate, 43.

۲. ابن قتیه دینوری، عبدالله بن مسلم، الامامة والسياسة، ۱/۱۹.

3. Madelung, Wilfered, The succession to Muhammad, a study of the early Caliphate, 43.

۴. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، ۱۴/۱۱.

بیعت از حضرت علی علیه السلام در زمان حیات حضرت زهرا علیها السلام و با فشار عمّال خلیفه و اکراه حضرت صورت پذیرفت.^۱ معاویه در نامه‌ای خطاب به حضرت علی علیه السلام اظهار داشت:

توبره‌ریک از خلفای پیشین، دشمنی ورزیدی و از بیعت با آنان امتناع کردی تا آن‌که تورا همانند شترافسار زده، برای بیعت حاضر کردند.^۲

۲. حضرت علی علیه السلام نیز در مقام پاسخ، فرمود: «به خدا سوگند، با این سخن خواسته‌ای مذمت کنی و ناخواسته، مدح و ثنا گفته‌ای.»^۳

۳. حضرت علی علیه السلام بر اساس مصلحت حفظ اسلام و لزوم اتحاد مسلمانان در برابر دشمنان بیرونی و درونی، از هرگونه مخالفت علنی، چشم پوشیدند؛ زیرا از یک سو، از مسلمان شدن مردم مکه تنها دو سال گذشته بود^۴ و این در حالی بود که بسیاری از ایشان هنوز به اعتقاد راسخی درباره اسلام دست نیافته بودند. از سوی دیگر، با توجه به فتح شام توسط مسلمانان،^۵ حکومت‌های همسایه، احساس خطر می‌کردند و احتمال داشت تا حمله‌ای را علیه حکومت اسلامی، ترتیب دهند.

۴. برخورد خشونت‌آمیز حکومت با مخالفان نیز، قابل تأمل بود. به عنوان نمونه، از جمله مخالفان خلافت ابوبکر، سعد بن عباده بود که از بیعت با وی خودداری کرد و به سوی شام رفت و با دستور عمر بن خطاب، کشته شد.^۶ البته در برخی از نقل‌ها،

۱. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ۵۷۸/۱.

۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، همان، ۱۸۶/۱۵.

۳. شریف رضی، محمد بن حسین (گردآورنده)، نهج البلاغه، ص ۳۸۷.

۴. ابن اثیر، عزالدین، الکامل فی التاریخ، ۲/۲۳۹.

۵. بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ص ۱۵۷.

۶. همان، انساب الاشراف، ۵۸۹/۱.

قاتل او را اجته معرفی کرده‌اند که پذیرفته نشده است.^۱ چنانچه حضرت علی علیه السلام و یاران اندک ایشان به اقدام عملی علیه خلافت خود خوانده، دست می‌زدند، ضمن از میان رفتن نزدیک‌ترین یاران آن حضرت، خطر انحراف اسلام به دلیل عدم وجود افراد صالح و تبیین‌کننده اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله نیز دو چندان می‌شد، ولی مدیریت علی علیه السلام موجب شد تا دین نوپدید اسلام از آسیب‌ها در امان بماند.

۲- ادعای رضایت حضرت فاطمه علیها السلام از ابوبکر و عمر

مادلونگ به ذکر روایتی می‌پردازد که بر اساس آن، پس از آن‌که عمر و ابوبکر در اواخر عمر حضرت زهرا علیها السلام به حضور ایشان رسیدند و طلب بخشش کردند، حضرت از ایشان راضی شد. مادلونگ بر اساس این دیدگاه در صدد القای این مطلب است که پس از مدتی، حضرت علی و حضرت زهرا علیها السلام از اعتراض خود نسبت به خلافت ابوبکر، منصرف شدند.^۲ برای تحلیل و نقد این دیدگاه، باید به روایات معارض نیز عنایت داشت که بررسی آنها، دو نکته را به دست می‌دهد:

۱. عمر و ابوبکر آزارهای متعدّد جسمی به حضرت زهرا علیها السلام وارد ساختند^۳ و زمینه انحراف امت اسلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله را فراهم کردند که نتیجه آن، محروم ساختن مردم از رهبری امامی بود که از سوی خداوند برای این امر، منصوب شده بود. با وجود این آسیب‌ها و آزارهای روحی و جسمی، آیا امکان بخشش عمر و ابوبکر فراهم بود؟ کدام یک از این آسیب‌ها جبران شد تا عذرخواهی ایشان مورد قبول حضرت زهرا علیها السلام قرار گیرد؟ بدیهی است که قبول عذرخواهی و اعلام رضایت از عمر و ابوبکر، بیانگر اعلام رضایت حضرت زهرا علیها السلام از خلافت آن دو نفر و مشروعیت بخشیدن به ایشان بود که این امر به هیچ عنوان قابل تصور نیست.

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، ۱۷/۲۲۳.

2. Madelung, Wilfered, The succession to Muhammad, a study of the early Caliphate, 52.

۳. حمویی جوینی، ابراهیم بن محمد، فرائد السمطين، ۲/۳۴-۳۵.

۲. براساس تصریح منابع معتبر اهل سنت، حضرت زهرا علیها السلام از ابوبکر، ناراحت و از وی روی گردان شد و این ناراحتی ادامه داشت تا آن که حضرت از دنیا رفت.^۱ در دسته‌ای دیگر از منابع اهل سنت، بر این نکته تأکید شده است که حضرت زهرا علیها السلام وصیت کرد که شبانه او را دفن کنند تا ابوبکر در تشییع پیکرش شرکت نکند.^۲

۳- ادعای نماز خواندن ابوبکر به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

مسئله اقامه نماز توسط ابوبکر به دستور و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این شبهه را ایجاد کرد که اگر پیامبر در روز غدیر خم، حضرت علی علیه السلام را به عنوان خلیفه بعد از خود معرفی کردند، چرا در روزهای آخر عمر خود و در بستری بیماری، ابوبکر را به جای خود برای اقامه نماز به مسجد فرستادند؟ در حالی که سزاوار بود تا حضرت علی علیه السلام را به مسجد بفرستند. مادلونگ تصریح دارد زمانی که پیامبر بیمار بود، اذان دادند، ایشان فرمودند: «بگویید ابوبکر با مردم نماز بخواند.» عایشه گفت: «وی نازک دل است و تاب ندارد که به جای تو بایستد.» پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گفت: «به عمر بگویید نماز بخواند» و هنگامی که عمر گفت: «من در حضور ابوبکر از او پیش نمی‌افتم» ابوبکر به نماز ایستاد. البته پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با کمک حضرت علی علیه السلام و ابن عباس به مسجد رفت و در نماز حاضر شد در حالی که ابوبکر به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اقتدا کرد و سایر مردم به ابوبکر. مادلونگ تحلیل می‌کند که از نظر محمد صلی الله علیه و آله و سلم امامت جماعت، دلیلی برای خلافت نبود. برای او فرقی نمی‌کرد که ابوبکر آن را انجام دهد یا عمر، و چون ابوبکر تعلل ورزید، پیامبر به طور غیرمنتظره‌ای جامه‌اش را گرفت و وی را در جایی که بود، نگه

۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ۱۱۲۶/۳.

۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری، ۳۷۸/۷؛ ابن حجر بیان می‌کند که این مطلب از طرق متعدد نقل شده است، اما پس از نقل این مطلب، آن را توجیه می‌کند.

داشت و از همان جا که ابوبکر قرائت نکرده بود، قرائت کرد.^۱

تأملی در گزارش‌های مشابه و معارض، بیانگر آن است که بخش اول تحلیل مادلونگ مبنی بر آن که امامت نماز جماعت، دلیلی برای خلافت نبود، بر اساس روایات متعدّد تاریخی، مورد تأیید است؛ به عنوان نمونه، پیامبر ﷺ فردی نابینا به نام ابن امّ مکتوم را سیزده مرتبه به جای خود در نماز و مسائل مهم، منصوب کرد.^۲ علاوه بر ضعف‌های متعدّد سندی در گونه‌های مختلف روایات مرتبط با دستور پیامبر ﷺ به ابوبکر برای اقامه نماز جماعت^۳ - مانند وجود روایانی که توسط عالمان اهل سنت، مورد جرح قرار گرفته‌اند، مثل ابن شهاب زهّری -^۴ تناقض‌هایی در محتوای آنها وجود دارد که چند سؤال اساسی را مطرح می‌سازد:

۱. چرا پیامبر ﷺ خطاب به زنان حاضر در جلسه مذکور فرمودند که شما نیز مانند دوستانان یوسف به دنبال خواسته‌های خودتان و خیانت هستید؟!^۵ آیا پیامبر ﷺ در نظر داشت تا شخص دیگری را برای اقامه نماز جماعت معرفی کند و اصرار عایشه مبنی بر معرفی پدر خود، موجب ناراحتی آن حضرت شد؟
۲. چرا پیامبر ﷺ با آن حال نامساعد و در حالی که حضرت علی عنه السلام و ابن عباس، زیر بغل‌های ایشان را گرفته و پاهای مبارکش روی زمین کشیده می‌شد، به محراب آمد و با کنار زدن ابوبکر، با مردم نماز خواند؟^۶
۳. آیا امکان دارد که در یک نماز جماعت، دو امام جماعت وجود داشته باشد تا ابوبکر به پیامبر ﷺ و سایر مردم به ابوبکر اقتدا کنند؟

1. Madelung, Wilfered, The succession to Muhammad, a study of the early Caliphate, 24.

۲. ابن حجر عسقلانی، الاصابة في تمييز الصحابة، ۴/ ۴۹۵.

۳. طبری آمدلی، محمد بن جریر بن رستم، المسترشد في إمامة علی بن أبي طالب، ۷/ ۱۴۷.

۴. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، تهذیب التهذیب، ۴۲/ ۲۲۸.

۵. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند، ۴۰/ ۶۹.

۶. همان، ۴۰/ ۶۸.

۴. مگر رسول اکرم دستور همراهی تمامی صحابه، از جمله عمرو ابوبکر، را با سپاه اسامه نداده^۱ و متمردین از آن را لعنت نکرده بودند؟^۲ پس در حالی که لشکر، خارج از مدینه در حالت آماده باش بود، عمرو ابوبکر در مدینه چه می‌کردند؟ تأمل در سند و محتوای روایات مرتبط با این حادثه، بیانگر وجود جریانی به رهبری عایشه است که به اختصاص فضیلت‌های خود ساخته به ابوبکر می‌پردازد.

۴- ادعای بستن تمام درب‌های مسجد به غیر از درب خانه ابوبکر

مادلونگ روایت بستن تمام درب‌های مشرف به مسجد مدینه به غیر از درب خانه ابوبکر را از عایشه نقل می‌کند و در ادامه، نتیجه می‌گیرد که پیام پیامبر ﷺ آن بود که ایشان تمایل داشت تا ابوبکر، جانشین ایشان شود.^۳ در این باره، دودسته از گزارش‌های مشابه و معارض وجود دارد: قریب به اتفاق علمای شیعه^۴ و برخی از اهل سنت^۵ قائل‌اند که پیامبر ﷺ مکلف شد تا دستور دهد تمامی درب‌های خانه‌های اصحاب و خویشاوندانش که به مسجد پیامبر در مدینه باز می‌شد، به غیر از درب خانه حضرت علی علیه السلام بسته شوند. در مقابل، در برخی از منابع اهل سنت، روایتی از عایشه نقل شده که بر اساس آن، به دستور پیامبر ﷺ تمامی درب‌هایی که به مسجد باز می‌شدند به غیر از درب متعلق به ابوبکر، مسدود شد.^۶ در توجیه تعارض این گزارش با گزارش معروف (بسته شدن تمامی درب‌ها به غیر از درب خانه حضرت علی علیه السلام)، برخی از اهل سنت بیان داشته‌اند که در زمان حیات پیامبر ﷺ، برای رعایت حال حضرت زهرا علیها السلام و آسان بودن ملاقات

۱. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری، ۱۱۵/۸.

۲. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل والنحل، ۳۰/۱.

3. Madelung, Wilfered, The succession to Muhammad, a study of the early Caliphate, 25.

۴. مانند: طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ۱۲۸/۱.

۵. مانند: خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، ۲۱۴/۷.

۶. بیهقی، ابوبکر، سنن الکبری، ۶۲۰/۲.

ایشان با پدر خود، این باب باز بود، اما بعد از وفات پیامبر ﷺ، این علت از بین رفت و احتیاج شد که باب ابوبکر باز شود، زیرا به عنوان خلیفه می خواست به مسجد آمده و با مردم نماز بخواند.^۱

برای فهم این گزارش و تأمل در گزارش های مشابه و معارض، دقت در سه نکته، رهگشا است:

۱. علت دستور پیامبر ﷺ به بستن تمامی درب ها به غیر از درب خانه حضرت علی علیه السلام، ملاقات حضرت زهرا علیها السلام با پیامبر نبود بلکه به دلیل طهارت باطن اهل بیت علیهم السلام بود که خداوند متعال در قرآن^۲ به آن تأکید کرده است.^۳ به تصریح برخی از علمای اهل سنت، پیامبر به منظور حفظ مسجد از ناپاکی و آلودگی های سایر افراد، دستور بستن درب های ایشان را صادر فرمود.^۴

۲. گزارش سد ابواب به غیر از باب حضرت علی علیه السلام، یکی از فضیلت های انحصاری برای آن حضرت به شمار می آمد که موجبات حسادت سایر افراد را فراهم می آورد؛ چنان که عمر بن خطاب به این امر تصریح دارد.^۵

۳. برخی معتقدند گزارش سد ابواب درباره ابوبکر، از مجعولات «بکره» است؛ زیرا به اعتقاد آنها، بکره از اتباع ابوبکر و همان کسانی اند که در مقابل گزارش هایی که شیعیان درباره علی علیه السلام روایت می کردند، گزارش هایی (در فضل دیگران) ساختند.^۶

۱. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *البدایة و النهایة*، ۳۷۹/۷.

۲. احزاب: ۳۳.

۳. محب الدین طبری، احمد بن عبدالله، *ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی*، ص ۹۵.

۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، همان، ۳۷۹/۷.

۵. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، *مستدرک عن الصحیحین*، ۱۲۶/۳.

۶. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، *شرح نهج البلاغة*، ۴۹/۱۱.

۴-۳-۴- استفاده از عقل و دانش های بشری

از موارد لازم جهت دستیابی به مقصود صحیح از متن گزارش، بهره‌گیری از عقل و دانش های بشری - شاخه‌های مرتبط از علوم انسانی و تجربی - است. براساس محدودیت عمر بشر و امکانات مادی، تنها به آن دسته از گزاره‌های علمی پرداخته می‌شود که ارتباط آنها با محتوای حدیث مورد فهم، ارتباطی عقلانی و حتی تجربه شده باشد و باید از هرگونه ارتباط‌های تصادفی و هم‌چنین احتمال‌های دور از ذهن، اجتناب کرد.^۱ برجسته‌ترین نقطه قوت روش مادلونگ در عنایت به عقل و دانش های بشری به منظور فهم و نقد روایات مرتبط با امامت حضرت علی علیه السلام، استفاده از علم تاریخ در فهم بهتر روایات مربوطه و مسائل مرتبط با امامت آن حضرت است که شاهد این ادعا نیز استفاده ایشان از منابع معتبر تاریخی از فریقین مانند تاریخ یعقوبی، تاریخ مسعودی، تاریخ الامم و الملوک طبری، تاریخ بغدادی، سیره ابن هشام و الکامل فی التاریخ از ابن اثیر است. نقطه ضعف مشهودی در روش مادلونگ در عنایت به عقل و دانش های بشری مشاهده نشد.

نتیجه‌گیری

برآیند مباحث مطرح شده در این پژوهش را می‌توان در سه نکته بیان داشت: از جمله رویکردهای قابل توجه در واکاوی پژوهش‌های خاورشناسان، به ویژه در مباحث مرتبط با آموزه امامت، بررسی و نقد روش آنها در فهم گزارش‌ها است. به نظر نگارنده می‌توان برای فهم گزارش و ارائه معیار جهت سنجش روش فهم گزارش خاورشناسان، فرایندی مشتمل بر سه مرحله «دستیابی به گزارش صحیح»، «فهم متن گزارش» و «فهم مقصود گزارش» در نظر گرفت.

بررسی روش مادلونگ در فهم گزارش‌ها براساس کتاب «جان‌شینی محمد، مطالعه‌ای در مورد خلافت نخستین» بیانگر وجود نقاط قوتی چون عنایت به

۱. مسعودی، عبدالهادی، روش فهم حدیث، ص ۱۷۰-۱۷۳.

نقش گرایش مذهبی راوی در نقل روایت از او، رد توهم برخی از خاورشناسان در جعلی بودن روایات، رد پنداره‌های موهوم و ریشه‌یابی روایات مرتبط براساس قراین، در روش وی است.

می‌توان به عدم ارجاع دقیق به منابع در برخی از موارد، تکمیل نبودن گستره منابع، عدم عنایت به مفردات و ترکیبات حدیث غدیر، عدم توجه کامل به روایات تفسیری در ذیل آیات مرتبط، اعلام اشتباه درباره سبب صدور حدیث غدیر خم و ادعاهای اشتباه بر اثر عدم دقت در اسباب صدور گزارش (مانند ادعای رضایت حضرت فاطمه علیها السلام از ابوبکر و عمر)، به عنوان برخی از نقاط ضعف روش وی، اشاره کرد.

کتاب

قرآن کریم.

شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، تحقیق صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ق.
 آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق علی عبدالباری عطية،
 دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۵ ق.

ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، تحقیق محمد ابوالفضل
 ابراهیم، مکتبة آیت الله المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.

ابن ابی شهبه، محمد بن محمد، الوسیط فی علوم و مصطلح الحدیث، دارالفکر العربی،
 قاهره.

ابن ابی شیببة الکوفی، عبدالله بن محمد، کتاب المصنف فی الأحادیث والآثار، تحقیق
 کمال یوسف الحوت، مکتبة الرشد، ریاض، ۱۴۰۹ ق.

ابن اثیر، عزالدین، الكامل فی التاریخ، دار صادر، بیروت، ۱۳۸۵ ق.

ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، تهذیب التهذیب، دار صادر، بیروت، ۱۳۲۵ ق.

 عبدالوجود، دارالکتب العلمیة / منشورات محمد علی بیضون، بیروت، ۱۴۱۵ ق.

 فتح الباری شرح صحیح البخاری، تصحیح محب الدین الخطیب،
 دار المعرفه، بیروت، ۱۳۷۹ ق.

ابن حمدون، تذکرة الحمدونیة، تحقیق إحسان عبّاس و بکر عبّاس، دار صادر، بیروت،
 ۱۹۹۶ م.

ابن حنبلی، احمد بن محمد، مسند، تحقیق عادل مرشد و دیگران، مؤسسة الرسالة،
 ۱۴۲۱ ق.

ابن سعد، ابوعبدالله محمد، الطبقات الكبرى، تحقیق احسان عبّاس، دار صادر، بیروت،
 ۱۹۶۸ م.

ابن صلاح، عثمان بن عبدالرحمان، علوم الحدیث، تحقیق نورالدین عتر، دارالفکر
 المعاصر، بیروت، ۱۴۲۱ ق.

ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۵ ق.

- ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، الامامة والسياسة، دارالاضواء، بيروت، ۱۴۱۰ ق.
- ، تأويل مختلف الحديث، تحقيق محمد زهري التجار، دارالجيل، بيروت، ۱۳۹۳ ق.
- ابن كثير، اسماعيل بن عمر، البداية والنهاية، چاپ هفتم: مكتبة المعارف، بيروت، ۱۴۰۸ ق.
- اربلي، على بن عيسى، كشف الغمة في معرفة الأئمة، تحقيق هاشم رسولی محلاتی، بني هاشمی، تبريز، ۱۳۸۱ ق.
- بخاری، محمد بن إسماعيل، صحيح البخاري، تحقيق مصطفى ديب البغا، چاپ سوم: دار ابن كثير، بيروت، ۱۴۰۷ ق.
- برقی، احمد بن محمد، المحاسن، تصحيح جلال الدين محدث، چاپ دوم: دارالكتب الإسلامية، قم، ۱۳۷۱ ق.
- بلاذري، احمد بن يحيى، انساب الاشراف، دارالفكر، بيروت، ۱۴۱۷ ق.
- ، فتوح البلدان، دارالمكتبة الهلال، بيروت، ۱۹۸۸ م.
- بيهقي، ابوبكر، دلائل النبوة و معرفة احوال صحاب الشريعة، تحقيق عبدالمعطي امين قلججي، دارالكتب العلمية، بيروت، ۱۴۰۵ ق.
- ، سنن الكبرى، تحقيق محمد عبدالقادر عطا، چاپ سوم: دارالكتب العلمية، بيروت، ۱۴۲۴ ق.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، مستدرک عن الصحیحین، تحقيق مصطفى عبدالقادر عطا، چاپ دوم: دارالكتب العلمية، بيروت، ۱۴۲۲ ق.
- حلی، حسن بن يوسف، الألفین، چاپ دوم: هجرت، قم، ۱۴۰۹ ق.
- حموی جوینی، ابراهیم بن محمد، فرائد السمطين، تحقيق محمد باقر محمودی، مؤسسه محمودی، بيروت، ۱۳۹۸ ق.
- حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد، تحقيق مؤسسة آل البيت (عليه السلام)، مؤسسة آل البيت (عليه السلام)، قم، ۱۴۱۳ ق.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاريخ بغداد، تحقيق مصطفى عبدالقادر عطا، دارالكتب العلمية، بيروت، ۱۴۱۷ ق.
- ، تقييد العلم، داراحياء السنة النبوية، ۱۳۹۵ ق.
- رازی، ابن أبي حاتم، الجرح والتعديل، طبعة مجلس دائرة المعارف العثمانية / دار احياء التراث العربي، هند/بيروت.

- رشید رضا، محمّد، تفسیر المنار، الهيئة المصرية العامة للكتاب، قاهره، ۱۹۹۰ ق.
- سیستانی، سید علی، الرافد فی علم الاصول، تحقیق سید منیر سید عدنان، مکتبه آیت الله سیستانی، قم، ۱۴۱۴ ق.
- سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، تدریب الراوی فی شرح تقریب النوای، تحقیق ابوقتیبه نظر محمّد فاریابی، دار طيبة.
- تاریخ الخلفاء، تحقیق ابراهیم صالح، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۷ ق.
- شاطبی، ابواسحاق، الموافقات فی اصول الفقه، تحقیق عبدالله دراز، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۵ ق.
- شهرستانی، محمّد بن عبدالکریم، الملل و النحل، تحقیق محمّد بدران، چاپ سوّم: الشریف الرضی، قم، ۱۳۶۴ ش.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، معالم الدین و ملاذ المجتهدین، انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۴ ش.
- صدوق، محمّد بن علی، الأمالی، چاپ ششم: کتابچی، تهران، ۱۳۷۶ ش.
- عیون أخبار الرضا علیه السلام، تحقیق مهدی لاجوردی، نشرجهان، تهران، ۱۳۷۸ ق.
- من لایحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ دوّم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۳ ق.
- طباطبایی، سید محمّد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۷ ق.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، تحقیق حمدی عبدالمجید، مکتبه ابن تیمیه، قاهره.
- طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، تحقیق محمّد باقر خراسان، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ ق.
- طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، چاپ دوّم: المکتبه الحیدریه، نجف، ۱۳۸۵ ق.
- طبری آملی، محمّد بن جریر بن رستم، المسترشد فی إمامة علی بن أبی طالب علیه السلام، تحقیق احمد محمودی، کوشانپور، قم، ۱۴۱۵ ق.
- عاملی، جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، دار الحدیث، قم، ۱۴۲۶ ق.

- عتر، نورالدین، منهج النقد في علوم الحديث، چاپ سوم: دارالفکر، دمشق، ۱۴۱۸ ق.
- علم الهدی، سید مرتضی، الشافی فی الإمامة، تحقیق سید عبد الزهراء حسینی، چاپ دوم: مؤسسة الصادق علیه السلام، تهران، ۱۴۱۰ ق.
- غزالی، محمد بن محمد، سرالعالمین و کشف ما فی الدارین، تحقیق محمد حسن اسماعیل و أحمد فرید المزیدي، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۲۴ ق.
- فلاتة، عمر بن حسن عثمان، الوضع فی الحديث، مؤسسة مناهل العرفان / مكتبة الغزالی، بیروت / دمشق، ۱۴۰۱ ق.
- کشی، محمد بن عمر، إختيار معرفة الرجال، تصحيح محمد بن حسن طوسی، تحقیق حسن مصطفوی، مؤسسه نشر دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۴۰۹ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحيح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم: دارالکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ ق.
- مامقانی، عبدالله، مقباس الهدایة فی علم الدرایة، تحقیق محمد رضا مامقانی، دلیل ما، قم، ۱۴۲۸ ق.
- محبّ الدین طبری، احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، تصحيح سامی غریزی، کتاب الاسلامی، قم، ۱۳۷۶ ش.
- محقق حلی، جعفر بن حسن، المسلك فی أصول الدین، تحقیق رضا استادی، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۴۲۱ ق.
- مسعودی، عبدالهادی، روش فهم حدیث، انتشارات سمت و دانشکده علوم حدیث، تهران، ۱۳۸۹ ش.
- مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- موسوی زنجانی، سید ابراهیم، عقائد الإمامیة الإثنی عشریة، چاپ سوم: مؤسسة الأعلمی، بیروت، ۱۴۱۳ ق.
- میرداماد، محمدباقر، الرواشح السماویة، دارالحدیث، قم، ۱۳۸۰ ش.
- نصرین مزاحم، ابوالفضل، وقعة صفین، تحقیق عبد السلام محمد هارون، چاپ دوم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، قم، ۱۴۰۴ ق.
- هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم، تصحيح محمد انصاری زنجانی، الهادي، قم، ۱۴۰۵ ق.
- هیثمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، تحقیق حسام الدین القدسي، مكتبة القدسي، قاهره، ۱۴۱۴ ق.

نشریات

امیری، محمدمقداد، «غدیر خم در آثار پژوهشی انگلیسی زبان غرب»، فصلنامه امامت پژوهی، شماره ۳، ۱۳۹۰ ش.

بهشتی مهر، احمد و تقی زاده داوری، محمود، «بررسی روش‌ها و ویژگی‌های پژوهشی ویلفرد مادلونگ در مطالعات شیعی»، فصلنامه پژوهش‌های کلامی-فلسفی، شماره ۶۰، ۱۳۹۳ ش.

فرزند وحی، جمال و شهروزی، محمّدجعفر، «اسباب ورود حدیث در کافی»، فصلنامه سفینه، شماره ۱۹، ۱۳۸۷ ش.

معارف، مجید، «خانواده حدیث و نقش آن در فقه الحدیث»، فصلنامه پژوهش دینی، شماره ۸، ۱۳۸۳ ش.

منابع انگلیسی

Hegel, Georg Wilhelm Friedrich, The Philosophy of History. With Prefaces by Charles Hegel and the Translator, J. Sibree, M.A, Batoche book, Canada, 2001.

Madelung, Wilferd, The succession to Muhammad, a study of the early Caliphate, Cambridge University, New York, 2004.

منهج مادلونغ في فهم التقارير الموجودة عن خليفة النبي ﷺ دراسة نقدية على أساس كتاب «خليفة محمد [ﷺ]»، دراسة في تعيين الخليفة الأول»^١

مهيار خاني مقدم^٢

الملخص:

هذه المقالة دراسة نقدية لمنهج مادلونغ في فهم التقارير عن خليفة النبي ﷺ، مع الاعتماد على المنهج الوصفي - التحليلي.

تبيّن نتائج الكاتب - مع وجود بعض القواسم المشتركة مع منهج مادلونغ، نحو: الاهتمام بدور الاتجاه المذهبي لدى الراوي في نقل الرواية، مناقشة بعض المستشرقين في القول بوضع بعض الروايات، ورد الرؤى الواهمة في أصول بعض الروايات المرتبطة ببعض القرائن - وجود بعض الأخطاء، نحو: عدم الإرجاع الصحيح إلى جملة من المصادر، عدم مراجعة الكثير من المصادر، عدم الاهتمام بالكثير من مفردات وجمل حديث الغدير، الأخطاء في سبب صدور حديث غدير خم، والدعاوى الخاطئة في أسباب صدور التقارير، وغيرها من الأخطاء التي تلاحظ على منهجه التي توجب عرض آراء خاطئة حول تعيين خليفة النبي ﷺ.

الكلمات الأساسية: المستشرقون، مادلونغ، خليفة النبي ﷺ، الإمامة.

١. تاريخ استلام المقال: ٩٦/٠٥/١٠؛ تاريخ القبول: ٩٦/٠٨/٢٠.

٢. دكتوراه في علوم القرآن والحديث، وأستاذ جامعة علوم ومعارف القرآن الكريم:

andqurani.qom@gmail.com

A critical investigation of Madelung’s Method in understanding the accounts about the successor of the holy prophet (pbhm) based on “succession of Mohammad: a study on the first Caliphate”¹

Mahyar Khani Moghaddam²

Abstract

The researcher adopts a descriptive–analytical approach towards Madelung’s method in understanding accounts related to the successor of holy prophet of Islam. The results obtained by the researcher show that although there are some strengths and multiple flaws found in Madelung’s approach. The strength are paying attention to religious affiliation of the narrator, dispelling the myth of some orientalists regarding the falsehood of narrations, rejecting the false premises and establishing the root of related hadiths based on evidence. However, there are some flaws present in Madelung’s method such as: failing to have exact reference to sources in some hadiths, incomprehensiveness of sources, failing to pay attention to singularities and combinations of Ghadir Hadith, misinterpreting the cause of Ghadir Hadith and false line of reasoning resulting from lack of proper attention to the causes of an account. These flaws all result in expressing unjustified, wrong and confusing deductions about the successor of holy prophet.

Keywords: orientalists, Madelung, succession of prophet, Imamate

1. Accepted August 1, 2017. Approved: November 11, 2017

2. PhD in Quranic sciences and Hadith, visiting Professor in University of Quranic sciences and Hadith, andqurani.qom@gmail.com